

مبانی فقهی حقوقی مسئولیت مدنی دولت

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۶

تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۷/۱۸

سیدمهدی میرداداشی*

چکیده

یکی از اصول مسلم فقهی و حقوقی، لزوم جبران خساراتی است که به واسطه اعمال اشخاص حقیقی و حقوقی به دیگران وارد می‌شود و دولت در مفهوم عام خود که شامل همه ارکان حکومتی (قوای سه‌گانه و مؤسسات عمومی غیردولتی) می‌باشد، از این قاعده مستثنا نیست. در قوانین فعلی از جمله ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، دولت در مفهوم مضیق خود مورد توجه واقع شده است و شامل همه ارکان حاکمیت و از جمله مؤسسات عمومی غیردولتی نمی‌شود. ماده مذکور با پیروی از یک نظریه سنتی که در کشورهای پیشرفته، مدت‌هاست از آن عدول شده، اعمال دولت را به اعمال تصدی و اعمال حاکمیت تقسیم‌بندی کرده است و در مورد اعمال حاکمیت، دولت را مصون از مسئولیت اعلام می‌کند، در حالی که مصونیت دولت در قبال اعمال حاکمیتی - به جز در مواردی که با قاعده احسان منطبق باشد - توجیه فقهی و حقوقی ندارد. همین ضرورت‌ها باعث شد تا در جهت هماهنگی هرچه بیشتر با آموزه‌های دینی و هم‌پا با تحولات جهانی در حوزه مسئولیت مدنی دولت، در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۳ دولت وقت، لایحه «مسئولیت مدنی مؤسسات عمومی» را به مجلس تسلیم نماید؛ ولی تاکنون این لایحه به تصویب نرسیده است. این مقاله می‌کوشد موضوع را از منظر تطبیقی مورد بررسی قرار دهد و پیشنهادهایی را در این باره ارائه دهد.

واژگان کلیدی: مسئولیت، دولت، اعمال تصدی، اعمال حاکمیت، ضمان.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (mirdadashim@yahoo.com).